

---

## روش‌شناسی احادیث اجتماعی

---

محمدرضا ضمیری\*

---

### ◀ چکیده:

احادیث گنجینه بسیار ارزشمندی از معارف دینی به‌شمار می‌آیند و این معارف می‌تواند در همه عرصه‌های زندگی بشر، گره‌گشا باشند. احادیث اجتماعی بخش وسیعی از این احادیث محسوب می‌شوند که به رابطه انسان‌ها با یکدیگر ناظر می‌باشند و از سوی دیگر این احادیث در قالب اخباری و انشایی با مباحث جامعه‌شناسی به‌عنوان یک علم شاخص در علوم انسانی ارتباط پیدا می‌کند. سؤال اساسی در این مقاله آن است که با چه روش‌هایی می‌توان از احادیث اجتماعی، محتوایی جامعه‌شناختی برداشت نمود؟ این پژوهش که به‌نوعی میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود با روش اجتهادی و تحلیلی و توصیفی، تلاش کرده انواع روش‌های مناسب و معهود جامعه‌شناسی را در برداشت از احادیث اجتماعی به یاری بطلبد.

نتایجی که از این پژوهش به‌دست آمده، عبارت است از تعریف جامع از احادیث اجتماعی، و اینکه با روش تجربی، روش استنتاجی، روش کارکردی، روش تحلیل محتوا، روش شهید صدر، روش کشف قوانین اجتماعی، روش نظام‌وارگی، روش حکیمی- اجتهادی، روش آینده‌پژوهی و روش اندیشه‌شناسی می‌توان از احادیث اجتماعی، برداشت جامعه‌شناختی داشت.

◀ **کلیدواژه‌ها:** روش‌شناسی، احادیث اجتماعی، حدیث، اجتماع، روش.

**مقدمه**

احادیث را می‌توان با حیثیت‌های گوناگون دسته‌بندی کرد. یکی از این دسته‌بندی‌ها به انواع رابطه‌های انسان مربوط می‌شود. ارتباطات انسان به چهار دسته ارتباط با خداوند، ارتباط با خویشان، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت و محیط‌زیست تقسیم می‌شوند. ارتباط انسان با دیگران همان ارتباطات اجتماعی است و احادیث ناظر به این نوع رابطه را احادیث اجتماعی می‌گویند. دو گونه برداشت از احادیث اجتماعی می‌توان انجام داد: یکی برداشت مرسوم و معمول مانند آداب‌العشره و مفاهیمی همچون تواضع، خوش‌اخلاقی، رعایت عدالت، رعایت انصاف و... این برداشت که عمدتاً به گرایش اخلاقی مربوط می‌شود، از گذشته دور توسط محدثان بزرگوار اسلام انجام شده است. گونه دوم این است که بتوان با روش‌های موجود در جامعه‌شناسی، از احادیث اجتماعی گزاره‌هایی را برداشت کرد که هم برای کارشناسان علوم اجتماعی مفید واقع گردد و هم گامی برای اسلامی‌سازی علوم اجتماعی باشد. پیش از وارد شدن در اصل بحث لازم است مفاهیم اساسی بحث مورد کاوش و بازبینی قرار گیرد.

**۱. مفهوم‌شناسی**

پیش از ورود در بحث، می‌بایست مفاهیم اساسی را مورد بررسی قرار دهیم.

**۱.۱. حدیث**

حدیث در لغت به معنای نو، تازه، سخن گفتن، سخنرانی کردن و حکایت کردن، واقعه و حادثه (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۴۶/طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۹۸) و در اصطلاح حدیث به متونی گفته می‌شود که ناظر به سخن، فعل یا تقریر معصومین علیهم‌السلام باشد. (بهائی، ۱۳۹۰ش، ص ۴؛ مامقانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۵۷)

البته شیعه با اهل سنت براساس مبانی کلامی در معنای اصطلاحی حدیث اختلاف دارند. آنان دایره حدیث را توسعه داده و شامل کلمات صحابه و تابعین دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۱) و گاهی به دلیل جداسازی کلمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از صحابه و تابعین، به کلمات ایشان اثر می‌گویند. (سبحانی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۹) به‌رحال مقصود ما از حدیث طبق مبنای کلامی شیعه، همان کلمات ناظر به گفتار و افعال و تقریرهای معصومین علیهم‌السلام است.

واژگان گوناگونی برای بیان حدیث اصطلاحی به کار می‌رود از قبیل خبر، سنت، روایت، اثر. این اصطلاحات تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که محل بحث ما در این پژوهش قرار نمی‌گیرند، برای اطلاع از آن‌ها به کتاب *درایة الحدیث* شانه‌چی و قواعد *التحدیث* قاسمی، *مقباس الهدایة* مامقانی، *درایة الحدیث* سبحانی و *درایة الحدیث* شهید ثانی رجوع شود. برخی سند را خبر دادن از طریق متن تعریف کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۲) حدیث هنگامی اعتبار و حجیت می‌یابد که تمام راویان از شرایطی مانند وثاقت و ضابط بودن برخوردار باشند تا دریافت‌کنندگان حدیث اطمینان پیدا کنند حدیث در طی قرن‌ها به صورت دقیق و بدون تحریفی و با کمال امانت به دست آنان رسیده است؛ اما محتوا و متن عبارت است از الفاظ حدیث که معنا را افاده می‌کنند. (همان) برای شناخت متن حدیث که به صورت الفاظ عربی بیان شده، شناخت فنون ادبیات عرب اعم از صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع ضروری است و از سوی دیگر، شناخت مباحث الفاظ اصول فقه مانند حجیت ظواهر، اומר و نواهی عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مبین نیز ضروری است. از این رو برای استفاده از حدیث آگاهی از سند حدیث و دلالت و متن آن لازم است تا نسبت دادن مطالب حدیث به منبع صادرکننده حدیث که همان پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام باشند، صحیح و دقیق باشد. البته روشن است که برای شناخت مباحث سندشناسی، علم رجال و برای آگاهی از مباحث محتوای حدیثی علم *درایة الحدیث* پایه‌گذاری شده است.

## ۲.۱. اجتماع

اجتماع از ماده جَمَع است و به معنای گرد آوردن است و در عُرف به معنای گروهی از انسان‌هاست که در جایی زندگی می‌کنند و دارای یک مذهب یا دین واحدند؛ یا گروهی که دارای شغل واحدی دارند یا انسان‌هایی که روی زمین زندگی می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۱)

کنت می‌گوید جامعه از تمام افراد زنده و مردگانی که با تأثیر خود در ذهن آیندگان به حیات خویش ادامه می‌دهند، تشکیل شده است. (وثوقی، ۱۳۷۷ش، ص ۵۰)

دورکیم جامعه را موجود زنده و دارای حیات خاص و وجدانی ویژه می‌داند که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۳۲)

شهید مطهری معتقد است جامعه از مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاصی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و دسته‌جمعی زندگی می‌کنند، تشکیل می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱) در مجموع به نظر می‌رسد اجتماع گروهی از انسان‌ها هستند که دارای یک وجه مشترک یا هدف مشترک یا کارکرد مشترک باشند و میان آن‌ها تقسیم کار وجود دارد و قوانینی آن‌ها را با یکدیگر پیوند داده است.

بحثی اساسی که در این زمینه وجود دارد، حقیقت جامعه و اجتماع است، آیا غیر از افراد و روابط میان آن‌ها، موجود مستقلی به نام اجتماع و جامعه وجود دارد؟ یا جامعه همان افراد است و وجود مستقلی از افراد ندارد؟ روشن است که محل بحث اصالت به معنای فلسفی است و نه اصالت به معنای حقوقی و اجتماعی. بدین معنا که آیا در کنار وجود عینی فرد، اجتماع و جامعه هم وجود عینی و خارجی و آثار مستقل دارند؟ این بحثی است که از گذشته‌های دور وجود دارد. در میان مسلمین، عبدالرحمن بن خلدون تونسلی، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی و شهید مطهری به وجود مستقل از فرد رأی داده‌اند و شهید صدر و استاد مصباح معتقد به اصالت فلسفی فرد هستند و در غرب، پرودون و منتسکیو و دورکیم به اصالت جامعه و دانشمندانی همچون آلکسی دو توکوبل و جان استوارت میل و سارتر به اصالت فرد اعتقاد داشتند. البته انگلیستانالیست‌ها و نومینالیست‌ها و لیبرالیست‌ها به فردگرایی باور دارند.

به هر حال دو مبنای اساسی در اصالت فرد یا اصالت فلسفی جامعه وجود دارد، بدین معنا که آیا فقط فرد وجود عینی دارد و یا علاوه بر فرد، اجتماع هم وجود عینی با آثار مستقل دارد؟

در بحث ما در صورتی که منظور از اجتماع، وجود عینی افراد باشد، نتیجه این می‌شود احادیث و روایاتی که ناظر به روابط افرادند، چه روش و شیوه‌ای دارند؟ و در صورتی که اجتماع وجود مستقل از افراد داشته باشد، احادیث و روایاتی که ناظر به وجود مستقل از افراد هستند، چه روش و منهجی دارند؟

### ۳.۱. روش

روش و منهج و شیوه به یک معنا هستند. در معنای روش آمده است: طرز، طریقه،

قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، نسق، منوال، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آیین، نهج. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۱۳۷۷۵؛ معین، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۱۹۲۷)

در اصطلاح، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، اطلاق شود؛ یا مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و نیز مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کنند. (ساروخانی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲۴)

روش بررسی فرایندی عقلانی است که باید برای دستیابی به دانش دنبال کرد. (بیرو، ۱۳۶۶ش، ص ۲۲۳)

مقصود از روش‌شناسی، تحلیل و بررسی کارآمد یا ناکارآمدی روشی برای شناخت موضوع معینی است؛ وقتی گفته می‌شود روش‌شناسی جامعه‌شناسی، منظور بررسی روش‌هایی است که در جامعه‌شناسی به کار گرفته می‌شود تا داده‌ها و اطلاعات مربوط به شناخت جامعه استخراج و تحلیل گردد. فیلیسن شاله در تعریف روش‌شناسی می‌گوید: «فلسفه علمی را منطق عملی یا متدولوژی (شناخت روش) نیز می‌توان نامید. این فلسفه قسمت مهم منطق است که خود مطالعه حقیقت و علم قوانین استدلال است. متدولوژی یعنی مطالعه نفسانیات عالم با روش صحیح. متدولوژی علمی است دستوری زیرا برای فکر، قواعدی مقرر می‌دارد و تعیین می‌کند که انسان چگونه باید حقایق را در علوم جست‌وجو کند. (شاله، ۱۳۵۰ش، ص ۲۲)

روش‌هایی که در علوم مختلف به کار می‌رود، به حیثیت و جهت‌های گوناگون تقسیم‌بندی می‌شوند؛ به اعتبار معرفت، می‌توان روش را پنج دسته روش تاریخی، روش نقلی، روش فلسفی، روش شهودی و روش تجربی تقسیم کرد و گاهی نیز به اعتبار فنون گردآوری اطلاعات به چهار نوع روش عمده تقسیم می‌شود. روش مشاهده، روش پرسشنامه، روش مصاحبه و روش کتابخانه‌ای و گاهی نیز نظر به سطح تحلیل توصیفی و تحلیلی تقسیم می‌شود. و گاهی هم به روش کمی و روش کیفی طبقه‌بندی می‌شود.

در پژوهش حاضر، مقصود ما از روش‌شناسی احادیث اجتماعی، مجموعه فرایندهایی است که محقق اجتماعی را قادر می‌سازد تا بتواند از احادیث اجتماعی به طرز صحیحی استفاده کند. این فرایندها در ادامه بحث به صورت دقیقی مشخص و معین می‌شود.

#### ۴.۱. احادیث اجتماعی

همان‌طور که گفتیم حدیث عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام و از سوی دیگر انسان دارای چهار رابطه عمده است: رابطه با خود، رابطه با خداوند، رابطه با طبیعت و رابطه با دیگران و جامعه. بر این اساس مراد از احادیث اجتماعی، قول و فعل و تقریر معصوم که ناظر به روابط میان انسان‌ها با دیگران باشد. این روابط به دو قسم کلی تقسیم می‌شود:

روابط انسان‌ها با یکدیگر در سطح خرد و روابط میان فردی و دیگری روابط انسان‌ها با همدیگر در سطح کلان. به دیگر سخن، گاهی رابطه انسان با انسان‌های دیگر است و گاهی رابطه انسان با گروه‌ها و نهادها و سازمان‌های اجتماعی. و احادیثی که ناظر به روابط اجتماعی است به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: گاهی احادیث توصیفی است که بیانگر رابطه حقیقی و خارجی انسان با دیگران است و این دسته ناظر به هست‌ها و نیست‌های اجتماعی است:

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تختلفوا فان من كان قبلكم اختلفوا فهلكوا. (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ح ۸۹۴)

۲. قال علی عليه السلام: من دخل مداخل السوء اتهم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۹۱)

۳. قال علی عليه السلام: بحسن العشرة تدوم المودة. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، ح ۴۲۰۰)

۴. قال علی عليه السلام: الانصاف يرفع الخلاف و يوجب الائتلاف. (درایتی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۹۴، ح ۹۱۱۶)

و گاهی هم احادیث هنجاری و دستوری است که در قالب امر و نهی و فرمان ارائه می‌شود و این قسم ناظر به باید‌ها و نباید‌های اجتماعی است و به عبارت دیگر، دسته اول ناظر به جامعه‌شناسی است و دسته دوم ناظر به جامعه‌سازی، یعنی جامعه مطلوب و ایدئال:

۱. قال رسول الله ﷺ: جالسو الكبراء وسائلوا العلماء وخالطوا الحكماء. (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵ش، ص ۵۸۵)

۲. قال رسول الله ﷺ: قوا باموالكم عن اعراضكم. (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۴۰۷)

۳. قال رسول الله ﷺ: صل من قطعك واحسن الى من اساء اليك وقل الحق ولو على نفسك. (همان، ص ۱۸۱)

۴. قال علی علیه السلام: من امر بالمعروف شد ظهور المؤمنین. (درایتی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۳۲، ح ۷۶۴۳)

۵. قال علی علیه السلام: من نهى عن المنكر ارغم أنوف الفاسقین. (همان، ص ۳۳۲، ح ۷۶۴۴)

یادآوری این نکته ضروری است که در میان احادیث، به پاره‌ای از احادیث اجتماعی برمی‌خوریم که حاوی تقیه‌اند؛ یعنی گاهی اوضاع اجتماعی بر شیعیان چنان سخت و دشوار می‌شد که برای حفظ جان و آبرو، تقیه اجتناب‌ناپذیر می‌شد. روشن است این‌گونه احادیث به‌صورت محتوایی نمی‌تواند بیانگر وضعیت اجتماعی ثابت باشد؛ هرچند می‌توان در سایر شرایط مشابه از آن بهره‌ اجتماعی گرفت.

از سوی دیگر برخی روایات، به‌صورت قضایای خارجیه‌اند؛ بدین صورت که مخاطبان عمومی نداشته، و ناظر به مخاطبان خاص و ویژه است.

و گاه نیز برخی احادیث اجتماعی ناظر به احکام حکومتی هستند که ویژه زمان یا مکان خاصی است؛ زیرا پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام علاوه‌بر تبیین معارف دینی، منصب حکومت بر مردم داشتند؛ مانند حکم حکومتی امیرمؤمنان در وجوب پرداخت زکات از اسبان یا حرمت گوشت الاغ در جریان جنگ خیبر. باید توجه داشت که این‌گونه احادیث مختص به مقطع زمانی یا مکانی خاصی هستند و نمی‌توان آن‌ها را تعمیم داد و درنهایت می‌توان از آن‌ها در جامعه‌شناسی تاریخی بهره برد.

#### ۱.۴.۱. انواع روش‌های احادیث اجتماعی

سؤال اصلی این پژوهش آن بود که با چه روش‌هایی می‌توان از احادیث اجتماعی در مباحث علوم اجتماعی بهره گرفت؟

برای پاسخ به این سؤال مقدماتی را در مفهوم‌شناسی ارائه دادیم، هم‌اکنون نوبت آن رسیده که این روش‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم:

#### ۱.۴.۱. روش تجربی

روش تجربی، روش شناخته‌شده‌ای در علوم طبیعی و انسانی است که کاربرد وسیعی دارد. در ابتدا سؤال مطرح می‌گردد و سپس فرضیه‌ای براساس اطلاعات مشابه و حدس‌های علمی به‌عنوان یک پاسخ موقت در نظر گرفته می‌شود و آنگاه نظریات موجود مطالعه می‌شود و پس از آن‌ها روش جمع‌آوری اطلاعات مشخص شده و در گام بعدی به گردآوری داده‌ها و اطلاعات اقدام می‌شود. سپس نوبت به تجزیه و تحلیل کمی و کیفی اطلاعات و استخراج نتایج می‌رسد. در این مرحله، فرضیه مورد آزمایش قرار می‌گیرد و قبول یا ردّ یا تکمیل می‌گردد. دیمون کیوی مراحل روش علمی تجربی را شامل هفت مرحله زیر دانسته است:

پرسش آغازی، مطالعات اکتشافی، طرح نظری مسئله تحقیق، ساختن مدل تحلیلی، مشاهده، تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری. (کیوی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۲)

در این روش، سؤالی از جامعه بر طبق نیازهای آن مطرح می‌شود؛ ولی فرضیه و پاسخ احتمالی آن از احادیث اجتماعی استخراج می‌گردد؛ همان‌طور که طبق روش پوزیتیویستی می‌توان فرضیه را از حسّ و تجربه اخذ کرد. اما این فرضیه برخاسته از احادیث اجتماعی در صورتی که از نظر سندی و دلالتی درست باشد، برای مؤمنان مطلب اثبات شده است، ولی تثبیت آن گزاره از نظر علوم اجتماعی تجربه‌گرا می‌بایست به محک تجربه گذاشته شود تا نتیجه آن نه‌تنها برای مؤمنان بلکه برای هرکس با هر دین و گرایشی، پذیرفته باشد.

روشن است که در این روش، همه متدولوژی تجربی و به‌کارگیری تکنیک‌های تحقیق از مصاحبه و پرسش‌نامه ملاحظه می‌گردد و درنهایت ممکن است فرضیه برگرفته از احادیث تأیید گردد و گاهی هم ممکن است تأیید نشود که در این صورت باید ملاحظه کرد که آیا روایت ضعف سندی دارد؟ در صورت صحت و اعتبار سندی ممکن است در تطبیق حدیث اجتماعی بر مصادیق، موقعیت‌هایی داشته باشد که می‌بایست به‌عنوان قید در روایت ملاحظه شود و به بیان دیگر حدیث اجتماعی نیازمند



تقیید و تخصیص باشد.

#### ۴.۱.۱. روش استنتاجی

استنتاج به معنای طلب نطق و سخن گفتن است؛ بدین معنا که از کتابی یا متنی یا فردی خواسته شود تا به اموری پاسخ دهد. امیرمؤمنان در خطبه ۱۵۸ می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولکن اخبركم عنه الان انّ فیه علم ما یأتی والحديث عن الماضي ودواء دائکم ونظم ما بینکم.»

از قرآن پس طلب کنید نطق و گفتار او را و حال آنکه ابدأً گویا (لفظی) نخواهد شد ولکن خبر می‌دهم شما را به مضمون آن، آگاه باشید به درستی در قرآن است علم آنچه که خواهد آمد و خبر از گذشته (یعنی متضمن علم اولین و آخرین است) و در آن است داروی امراض و دردهای شما و نظم و انتظام ما بین شما.

از حدیث فوق استفاده می‌شود که امام علی علیه السلام مخاطبان خود را به پرسشگری از قرآن ترغیب می‌کند و معتقد است که می‌بایست سؤال فردی و اجتماعی خود را از خودتان بپرسید و قرآن با الفاظ و زبان با شما سخن نمی‌گوید و مفسرانی همچون حضرت امیر علیه السلام، اخبار گذشته و حال و روابط اجتماعی حاکم میان مردم را بازگو می‌کنند.

در روش استنتاجی، نخست سؤالات و پرسش‌های تحقیق که نقطه آغازین هر پژوهش‌اند، از علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی استخراج و دسته‌بندی شده است. سؤالات را از متون احادیث اجتماعی استنتاج کرده و پاسخ‌های آن‌ها را از احادیث اجتماعی جست‌وجو می‌کنیم.

مثلاً سؤال می‌کنیم عوامل تغییر اجتماعی چیست؟ کارگزاران تغییر کدام‌اند؟ بدیهی است که در این روش، می‌بایست روش‌های معمول در درایة الحدیث و فقه الحدیث اعمال گردد. نکته مهم آنکه می‌بایست از گونه تفسیر به رأی پرهیز کرد و سعی نمود نظر علوم اجتماعی بر احادیث تحمیل نشود. بنابراین باید پاسخ احادیث، استنباط‌شده و بدون کم‌وکاست در برابر پرسش‌های علمی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قرار گیرد.

ابن عباس ان النبی صلی الله علیه و آله قال: صنفان من امتی اذا صلی صلح الناس

و اذا افسدوا فسد الناس، السلطان والعلماء. (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۱۶)  
 امیرمؤمنان فرمود: «اذا تغیر السلطان تغیر الزمان»؛ هرگاه حکومت تغییر یابد شرایط  
 اجتماعی تغییر می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۳۸۵) در برخی روایات العلماء  
 والامراء و یا الامراء والفقهاء هم وارد شده است.

از این حدیث معلوم می‌شود که حاکمان و دانشمندان از مهم‌ترین کارگزاران  
 تغییرات اجتماعی تلقی می‌شوند که رفتار و کنش اجتماعی آنان در هنجارها و  
 ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

#### ۴.۱.۱. روش کارکردی

کارکردگرایی نظام اجتماعی را دارای تعادل می‌دانند و نظام اجتماعی دارای اجزائی  
 است که با یکدیگر ارتباط دارند و هر یک وظیفه و کارکردی بر عهده دارند. هنگامی  
 که اجزا و عناصر ساخت کارکردی با یکدیگر هماهنگ باشند، وحدت کارکردی اتفاق  
 می‌افتد و نظام اجتماعی سالم و زنده و پویا خواهد بود و در صورتی که عناصر،  
 کارکردهای خود را به خوبی انجام ندهند، نظام اجتماعی دچار اختلال می‌شود. اصول  
 موضوعه کارکردگرایی عبارت‌اند از: اصل وحدت کارکردی، کارکردگرایی عمومی،  
 اصل ضرورت کارکردی، و کارکردهای پنهان و آشکار. (توسلی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۲۱)

در این روش، یک نظام اجتماعی از روایات اجتماعی استخراج می‌شود که اجزا و  
 عناصرش برای انسجام، کارکردهایی را بر عهده دارند و عناصر برای برآورده شدن  
 هدف نهایی، با یکدیگر ترابط و همکاری دارند؛ مانند نظام اجتماعی دینی که برای  
 رسیدن به قرب الهی به عنوان یک هدف نهایی تنظیم شده است و عناصر آن از فرهنگ،  
 خانواده، سیاست، اقتصاد، و آموزش و پرورش با یکدیگر ارتباط دارند و هر یک عهده‌دار  
 کارکردها و وظایفی هستند. در صورتی نظام اجتماعی برآمده از احادیث اجتماعی،  
 خوب و منظم عمل می‌کند که همه نهادها و سازمان‌ها و افراد به کارکردها  
 و وظایفشان خودآگاهی داشته و به آنها عمل کنند.

در این روش می‌توان کارکردهای اجتماعی عدالت، کارکردهای خانواده و  
 کارکردهای اقتصاد را از منظر احادیث اجتماعی بررسی کرد. برای نمونه امام باقر (ع)  
 درباره کارکردهای نظام کنترل اجتماعی در جامعه چنین می‌فرماید: «ان الامر بالمعروف

والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء ومنهاج الصلحاء فریضة بها تقام الفرائض وتأمّن المذاهب وتحلّ المكاسب وترد المظالم وتعمر الارض وینتصف من الاعداء ویستقیم الامر.» (کلینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۵۶)

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و واجب بزرگی است که واجبات دیگر با آن برپا می‌شود: راه‌ها امن می‌گردد، درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد.

#### ۴.۱.۴.۱. روش تحلیل محتوا

کاربرد این روش معمولاً در روزنامه‌ها، متون، سخنرانی، رادیو و تلویزیون و سایر متن‌های علمی و ارتباطی است. از آنجاکه انسان‌ها در روابط اجتماعی با یکدیگر به تبادل نظر و افکار و اطلاعات می‌پردازند و گرایش‌ها و اندیشه‌ها و ایده‌های خود را ابراز می‌کنند، برای شناخت عینی و علمی خصوصیات فردی و اجتماعی گویندگان و نویسندگان، ابزار و سنج‌های علمی لازم است تا بتوان بدون حب و بغض و گرایش‌های درونی، اندیشه‌ها و گرایش‌ها و ایده‌های افراد را از راه مطالعه متون گفتاری و نوشتاری آن‌ها شناخت.

«منظور از این روش آن است که بتوان براساس آن، خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به‌طور سیستماتیک شناخت و از آن‌ها نیز استنتاج‌هایی درباره مسائل غیرزبانی، یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظریات و گرایش‌های وی نمود. (رفیع‌پور، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۰۹)

این تکنیک هرچند گفته می‌شود در یونان باستان و بعدها در قرن هفتم میلادی در فلسطین برای استخراج تورات به‌کار گرفته شد، به‌طور مشخص، در جنگ جهانی دوم درباره شیوه‌های تبلیغی آلمان توسط گوپل از آن استفاده گردید. البته در جهان اسلام نیز بحث تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و کتب حدیثی، نوعی تحلیل محتوای متون دینی بوده که سابقه آن به صدر اسلام برمی‌گردد؛ مثلاً کلمه یوم (روز) به‌صورت ۳۶۵ دقیقاً به تعداد روزهای سال و به‌صورت مثنی و جمع ۳۰ مرتبه به تعداد روزهای ماه اشاره

دارد. کلمه شهر (به معنای ماه) در کل قرآن ۱۲ مرتبه به تعداد ماه‌های سال آمده است. دنیا و آخرت کلمات متضاد ۱۱۵ مرتبه، حیات و موت کلمات متضاد ۱۴۵ و موارد دیگر. (نک: بسمل، ۱۳۸۳ ش)

گفتنی است که تحلیل محتوا به دو روش کمی و کیفی انجام می‌پذیرد و در کتاب‌های روشی تحقیق در علوم اجتماعی به صورت تفصیلی بدان‌ها پرداخته شده است.

اما تطبیق این روش در احادیث اجتماعی، این‌طور می‌شود که برای نمونه یکی از خطبه‌های نهج البلاغه انتخاب می‌شود و مباحث محتوایی آن استخراج و طبقه‌بندی می‌گردد و براساس تکرار واژگان و بسامدها درجه‌اهمیت و تأکید آن حضرت بر مسائل اجتماعی معین می‌شود. حضرت علی علیه السلام در خطبه سوم به نام شمشقیه، پس از تحلیل و دسته‌بندی واژگان و تکرار کلمات مشابه، بر چند مقوله تأکید کرده‌اند: شایستگی و اولویت خود بر حکومت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، بدون ملاک بودن انتخاب خلفا، فاصله گرفتن مردم از تعلیمات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دوران خلفا، بحران و نامتعادل بودن اوضاع اجتماعی سیاسی آن دوران.

#### ۴.۱.۵. روش شهید صدر

شهید صدر یکی از متفکران معاصر اسلامی است که علاوه بر فقه‌ت و مرجعیت، در علوم انسانی اسلامی نیز نظریه‌پرداز بود. وی ابداع‌کننده روش و سبک نوینی در برداشت متون دینی در علوم انسانی بود. او برای شناخت اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با اقتصاد مارکسیستی و سرمایه‌داری، روشی را ابداع کرد که می‌توان آن را در روش‌شناسی احادیث اجتماعی نیز به کار گرفت. به‌طور مقدماتی لازم است نخست این طرح در اقتصاد اسلامی توضیح داده شود و آنگاه در احادیث اجتماعی تطبیق داده شود.

شهید صدر نخست میان علم اقتصاد و مذهب اقتصادی تفکیک قائل شده و می‌گوید: «علم اقتصاد عبارت است از علمی که به تفسیر، حیات اقتصادی و رویدادها و پدیده‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و آن حوادث و رویدادها را به عوامل آن پیوند می‌دهد. این علم جدیدالتأسیس بوده و قدمت حداکثر به چهار قرن می‌رسد

ولی مذهب اقتصادی عبارت است از شیوه و روشی که هر جامعه برای حیات اقتصادی و حل مشکلات عملی آن برمی‌گزیند و لذا هیچ جامعه‌ای را بدون مذهب اقتصادی نمی‌توان تصور کرد.» (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸-۲۹)

از سوی دیگر، شهید صدر بر این باور است که تنظیم روش و شیوه اقتصادی در هر جامعه‌ای، متکی به منطق خاصی است و این منطق مبتنی بر افکار و مفاهیم معین علمی و اخلاقی و فرهنگی است.

وی معتقد است که منظور از اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد نیست بلکه مقصود، مذهب اقتصادی است که روش معینی برای حیات اقتصادی اتخاذ می‌کند.

درنهایت وی معتقد است که در راه کشف منطق علمی مذهب اقتصاد، می‌توان به شیوه استقرایی از آیات و روایات و فتاوی فقهی، علم اقتصاد اسلامی را کشف نمود. در تطبیق این روش بر احادیث اجتماعی، باید مجموعه احادیث اجتماعی درخصوص یک موضوع جمع‌آوری شود، معمولاً این احادیث توصیه‌هایی را درباره جامعه مطلوب دینی ارائه می‌کنند که از کنار هم گذاشتن آن‌ها می‌توان به کشف منطق علمی و رای آن گزاره‌های هنجاری دست یافت. به دیگر سخن، وقتی نهاد خانواده را مطالعه می‌کنیم، مجموعه‌ای از آموزه‌ها و توصیه‌ها که به صورت هنجاری بیان می‌شود و هدف اصلی آن‌ها محقق کردن خانواده مطلوب دینی است، و مجموعه‌ای از گزاره‌های علمی که ناظر به واقعیات عینی خانواده و ویژگی‌هایی حقیقی و عینی مرد و زن و فرزندان و روابط میان آن‌هاست، کشف می‌شود. روشن است که هنگامی این روش مفید خواهد بود که همه گزاره‌های حدیثی و فقهی و اخلاقی خانواده گردآوری شده و به صورت استقرایی، آن علم اجتماعی و جامعه‌شناسی و رای احادیث اجتماعی کشف گردد.

#### ۴.۱.۶. روش کشف قوانین اجتماعی (سنت‌های اجتماعی)

شکی نیست که امور طبیعی تابع قانون و همان علت و معلول است؛ یعنی نظام علیت بر امور طبیعی حاکمیت دارد و هیچ پدیده طبیعی بدون علت محقق نمی‌شود و استمرار نمی‌یابد و برای فهم آن پدیده می‌بایست قوانین حاکم بر آن را شناخت. اما در امور اجتماعی و انسانی، میان متفکران اختلافاتی به چشم می‌خورد. برخی مانند دیوید هیوم فیلسوف اسکاتلندی منکر علیت اجتماعی‌اند؛ زیرا اساساً به هیچ قسم قانونی اعم

از طبیعی و اجتماعی و زیستی و روانی باور ندارد. و برخی دیگر معتقدند امور اجتماعی قانونمند است، لکن هر جامعه‌ای قوانین خاص خود را دارد. اسپنگلر نماینده این گروه است. برخی دیگر هم بر این باورند که همه جوامعی که در یک دوره تاریخی به سر می‌برند، قوانین مشترک و یکسانی دارند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۳۰-۱۳۳)

اما دیدگاه درست و منطقی آن است که امور انسانی و اجتماعی به‌سان سایر امور طبیعی و زیستی، تابع اصل علیت می‌باشند و امور اجتماعی هم قانونمندند. هرچند اراده و اختیار انسان در امور انسانی و اجتماعی دخالت دارد، مسلّم است که اراده انسان هم تابع منافع و مضاری است که در روابط اجتماعی ملاحظه می‌کند.

در احادیث اجتماعی و آیات قرآن، سنت‌های اجتماعی دیده می‌شود که گاهی از آن به سنت‌های الهی در تدبیر جوامع یاد می‌شود. شهید صدر هم کتابی درباره سنت‌های اجتماعی در قرآن نوشته‌اند که در این‌گونه مباحث بسیار ارزنده و رهگشاست. برخی نویسندگان برخی از سنت‌های اجتماعی در قرآن را با این عناوین بحث کرده‌اند: سنت ظهور و سقوط امت‌ها، سنت ارسال رسل، سنت هدایت و اضلال الهی، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت مجازات، سنت مهلت دادن، سنت امتحان و ابتلا، و سنت عبرت‌آموزی. (نک: حامد مقدم، ۱۳۷۶) از آنجاکه هدف نهایی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، شناخت و کشف قوانینی اجتماعی است که در پرتو آن، هم بتوان پدیده‌های اجتماعی را تحلیل کرد و هم بتوان رویدادهای آینده را پیش‌بینی کرد، مطالعه سنت‌های اجتماعی در روایات و تطبیق آن‌ها بر حوادث و رویدادهای عینی جامعه، بسیار ضروری و مفید ارزیابی می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «والذی نفسی بیده لترکبن سنن من کان قبلکم حذوا النعل بالنعل.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۱۸۰)

قسم به کسی که جان من در اختیار اوست، قطعاً شما از سنت‌ها و قوانینی که پیش از شما بوده دقیقاً پیروی خواهید نمود (همانند برابر بودن نعل با نعل دیگر).

بنابراین یکی از روش‌های شناخت احادیث اجتماعی، شناخت قوانین و سنت‌هایی است که در همه جوامع جاری و ساری بوده و با شناخت آن‌ها می‌توان به‌درستی،

رویدادهای اجتماعی را تفسیر و فهم کرد و امکان حوادث مشابه آینده را پیش‌بینی نمود. در ذیل به برخی از سنت‌های اجتماعی اشاره می‌گردد:

الف. سنت پیامدهای دنیوی گناهان

۱. قال رسول الله ﷺ: ما من قوم يظهر فيهم الربا الا اخذوا بالسنة وما من قوم يظهر فيهم الرشا الا اخذوا بالرعب. (ابن حنبل، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۰۵)

میان هر قومی رباخواری آشکار گردد، به قحطی گرفتار آیند و میان هر قومی رشوه‌خواری شایع شود، به ترس مبتلا گردند.

۲. قال لقمان: ان الذهب يجرب بالنار والعبد الصالح يجرب بالبلاء فاذا احب الله قوماً ابتلاهم فمن رضى فله الرضا ومن سخط فله السخط. (فیض کاشانی، ۱۳۸۵ش، ج ۷، ص ۲۳۴)

لقمان گفت: طلا با آتش و بنده صالح با گرفتاری آزموده می‌شود، پس هرگاه خداوند گروهی را دوست بدارد، آن‌ها را گرفتار می‌سازد. هر که راضی باشد، خشنودی خدا از آن اوست و هر که ناخشنودی نماید، خشم خدا از آن اوست.

ب. سنت پیروزی حق بر باطل

۳. قال الصادق عليه السلام: ليس من باطل يقوم بازاء الحق الا غلب الحق الباطل «ود لك قوله تعالى (بل تغذف بالحق على الباطل فيدمغه)» (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۸، ص ۲۴۲)

هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آنکه حق بر باطل پیروز شود و این سخن خداوند است که می‌فرماید: بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم که آن را در هم می‌کوبد.

#### ۴.۱. ۷.۱. روش نظام‌وارگی (تفکر بین رشته‌ای)

زندگی امروز نیازمند ارتباط و مشورت افراد با تخصص‌های مختلف است که از آن به‌عنوان مطالعات جامع integrative studies یاد می‌شود و به مدد مطالعات بین رشته‌ای قادر خواهد بود یک مسئله را از جوانب مختلف بررسی کند؛ مثلاً مسائلی که در آموزش و پرورش می‌گذرد، نیازمند بررسی کارشناسی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، آموزشی و تکنولوژی و اقتصادی و سیاسی است و تلاش‌ها معطوف به حل مشکل در این خصوص می‌باشد؛ زیرا هر مشکلی ابعاد مختلفی دارد و با نگاه صرفاً تخصصی و تک‌رشته‌ای، مشکلی به‌صورت جامع حل نخواهد شد. از این‌رو مطالعات بین‌رشته‌ای و تعامل علمی نظری و عملی میان دانشمندان بسیار ضروری است. در علم امروزی،

کل‌گرایی یک ایده جدی در پژوهش است. البته آرمان کل‌گرایی سابقه دارد. رنه دکارت فرانسوی (۱۵۹۶-۱۶۵۰) از نخستین کسانی بود که کوشید یک روش جهان‌شمولی و کلی برای اندیشیدن پیدا کند.

«با آنکه سخن مشترک همه متفکران اجتماعی و دانشمندان، لزوم تعامل سوء همکاری در تلاش برای ارتقای شناختی بشر و حل مشکلات جهانی است، همین دو مفهوم نیز باعث اختلاف نظرهایی شده است و دانشمندان امروزی با ادبیات متفاوتی چون سازش علوم، اتحاد علوم، یکپارچه‌سازی یا جامع‌سازی علم، سنتز مفهومی علم، وحدت روش شناختی و وحدت شناخت وارد بحث همگرایی علوم و کل‌نگری می‌شوند.» (متین، ۱۳۸۸ش، ص ۲۵)

در گذشته، تمامی علوم تحت عنوان فلسفه و حکمت بحث می‌شد و ریاضیات و منطق و طبیعیات و مابعدالطبیعه با هم آموزش داده می‌شود؛ ولی بعدها به دلیل پیشرفت علوم، رشته‌های علمی از یکدیگر تفکیک شد و فهم مسئله در یک موضوع دچار تشتت و تفرقه شد تا اینجا دوباره در آغاز قرن بیستم، ضرورت ارتباطات میان علوم و بازگشت به توحید روش‌شناختی به صورت جدی احساس شد و در نیمه قرن بیستم، اصطلاح میان‌رشته‌ای وارد بحث ادبیات علمی شد.

در تطبیق این روش بر احادیث اجتماعی، مقصود آن است که به جای آنکه مسئله شراب‌خواری از منظر یک رشته علمی مانند جامعه‌شناسی بررسی شود و طبعاً به دو مقوله عوامل اجتماعی گرایش به شراب‌خواری یا پیامدهای اجتماعی آن رسیدگی شود و از سایر نگاه‌های روان‌شناختی یا فقهی غفلت نشود، در یک نگاه کل‌گرایانه یا نظام‌وارگی یا بین‌رشته‌ای، هر آنچه مربوط به مقوله شراب‌خواری است، مورد بررسی و کاوش قرار گیرد و این عدم تفکیک نگاه به یک مسئله آن‌هم نگاه میان‌رشته‌ای و مطالعات جامع داشتن در احادیث اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. از یک سو شراب‌خواری حرام فقهی دانسته شده و از سوی دیگر از نگاه جامعه‌شناختی، به طرد اجتماعی شراب‌خوار از مناسبات اجتماعی مؤمنان توجه شده است. لذا از همنشینی با شراب‌خوار منع شده و از همسرگزینی وی ممنوعیت قائل شده و از عدم عدالت و پذیرش شهادت وی محاکم قضایی سخن به میان آمده و از نظر حقوقی بر تنبیه و



مجازات و اجرای حد او مطالبی بیان شده و در برخی روایات از مضرات جسمی و روحی مانند ارتعاش و اضطراب جسمی و بیرون رفتن نور هدایت و ایمان از قلب او مطالب ارزشمندی بیان شده است. فایده اصلی چنین روشی، شناخت جامع از یک مسئله و وحدت مدیریت و تصمیم‌گیری فرهنگی دربارهٔ چنین پدیدهٔ اجتماعی است؛ البته واضح است که استفاده از روش بین‌رشته‌ای و نظام‌وارگی مستلزم اطلاعات جامع از علوم مختلف است.

#### ۴.۱.۸.۱. روش حکیمی - اجتهادی

برخی از نویسندگان، در شرح این روش آورده‌اند که منابع دینی می‌تواند مدل خاصی در زمینهٔ روش‌شناسی علوم انسانی به نام روش‌شناسی اجتهادی ارائه کند و روش‌شناسی اجتهادی می‌تواند در تولید علوم انسانی مؤثر باشد. فرایند شکل‌گیری نظریات در علوم انسانی را چنین بیان کرده‌اند: فلسفهٔ مطلق (دربردارندهٔ فلسفه‌های مضاف به حقایق و مشخص شدن مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی و...) شکل‌گیری نظام ارزشی و الگوی انسان بایسته و بایدها و نبایدهای انسانی (حقوق و اخلاق) شکل‌گیری نظام انسان‌شناسی یا انسان‌شایسته و انسان مطلوب دست‌یابی به نظام مکتب رفتاری و اجتماعی تدوین نظم روش‌شناسی تولید نظریه تولید علوم انسانی. و در خصوص روش‌شناسی اجتهادی به بیان مبانی زیر پرداخته است:

اول: پذیرش رویکرد رئالیستی شبکه‌ای و ابطال رویکرد ایدئالیسم و نسبی‌گرایی؛ دوم: ابطال پارادایم‌های گفتمانی و پساساختارگرایی و هرمنوتیک فلسفی به‌دلیل نسبی‌گرایی و پذیرش توأمان پارادایم‌های تبیینی و تفسیری (به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی در شناخت پدیده‌های رفتاری و اجتماعی انسان).

سوم: اعتقاد به بسترگرایی واقع‌گرایانه؛ چهارم سه پیش‌فرض بایسته و یک پیش‌فرض نبایسته:

- استفاده از پیش‌فرض‌های ابزاری مانند مصاحبه، پرسشنامه، روش‌های پیمایشی و آزمایشی؛

- استفاده از پیش‌فرض‌های استفهامی برگرفته از نظریه‌ها و حوادث؛

- استفاده از پیش فرض های معنایی (نظام های فلسفی، انسان شناختی و ارزشی)؛  
 - پیش فرض نبایسته: پرهیز از پیش فرض های معنایی تحمیلی برگرفته از نظام های سکولار؛

پنجم: تفاوت روش شناسی حکیمی - اجتهادی با روش اجتهادی متعارف.  
 در این باره می نویسد: «روش اجتهادی متعارف تنها برای استخراج مسائل فرعی از نصوص و اصول دینی به کار می رود ولی روش شناسی حکمی - اجتهادی علاوه بر کارکرد روش اجتهادی متعارف در صدد است تا با استفاده از پیش فرض های پیش گفته به استخراج تفسیری روش مند از پدیده و مکاتب انسانی و نیز استنتاج پدیده های انسانی از پرسش های دینی بپردازد. توضیح اینکه روش اجتهادی در این الگو عبارت است از استنتاج قرآن و سنت از پرسش های جدید جامعه، دوم تطبیق کلی برگرفته از قرآن بر مصادیق جامعه سوم عرضه پرسش های درون قرآنی بر جامعه محقق. (خسروپناه، ۱۳۹۲ش، ص ۲۳۷-۲۴۶؛ همو، ۱۳۹۴ش، ص ۲۸۹-۳۰۰)

#### ۴.۱.۹. آینده پژوهی

آینده در واقع پرتوی از گذشته است و معمولاً حوادث اجتماعی با یکدیگر شباهت هایی در ذات و آثار دارند و مدیریت و اداره جامعه بدون نگاه به آینده معنا ندارد و هرگونه برنامه ریزی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ارزشی برای کنشگران اجتماعی بدون اندیشیدن به آینده، بی ثمر خواهد بود. البته روشن است که آینده دارای ویژگی عدم قطعیت است و انسان با ابزارهای عقلی، تجربی و شهودی توان شناخت قطعی آینده را ندارد. اما دین و وحی به صورت قطعی، اخباری از آینده جوامع بشری داده و تنها منبع قابل اعتماد برای شناخت آینده جوامع دین و وحی الهی است.

آینده پژوهی (futures studies) به گمانه زنی های سیستماتیک و خردورزانه در مورد نه فقط یک آینده بلکه چندین آینده متصور مبادرت می شود، موضوعات آینده پژوهی دربرگیرنده گونه های ممکن، متحمل و مطلوب برای دگرگونی از حال به آینده می باشند و در یک تعریف ساده و درعین حال ژرف، آینده پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا عنوان شده است. (ملکی فر و دیگران، ۱۳۸۵ش، ص ۱۷)

آینده‌پژوهی امروزه به صورت یک دانش مورد توجه قرار گرفته و مراحل سه‌گانه تحصیلی و آکادمیک آن پی‌ریزی شده است. فرانسویان تأثیری جدی بر آینده‌پژوهی داشته‌اند و می‌توان ژوونل را بنیانگذار این رشته علمی دانست. این رشته بعدها در ایتالیا و ایالات متحده آمریکا مورد توجه قرار گرفت. پس از جنگ جهانی دوم، تقویت قدرت نظامی و حفظ امنیت آمریکا و جنگ سرد از عوامل مؤثر رشد مطالعات آینده بود.

سه رویکرد عمده در آینده‌پژوهی وجود دارد: آینده‌پژوهی تحلیلی یا اکتشافی، آینده‌پژوهی تصویرپرداز و آینده‌پژوهی هنجاری یا مشارکتی.

روش‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از: دیده‌بانی آینده، دلفی، واکاوی روندها، واکاوی پیشران، سناریوپردازی، چشم‌اندازسازی، نقشه راه، پس‌نگری، مدل‌سازی، شبیه‌سازی و ترکیبی.

باتوجه به مقدمات یادشده، یکی از مباحثی که از احادیث اجتماعی به خوبی می‌توان استخراج کرد، آینده‌پژوهی است. در کتاب‌هایی حدیثی، عنوانی وجود دارد به نام ملاحم و فتن. این عنوان در واقع برای پیش‌گویی حوادث آینده به کار می‌رود؛ به ویژه برای جنگ‌های خونین و فتنه‌هایی که در آینده رخ می‌دهد. روایات متعددی در این خصوص از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام رسیده است. کتاب *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن* معروف به *الملاحم و الفتن* نوشته سید بن طاووس از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در این زمینه نوشته شده است. البته پیش از او نعیم بن حماد کتاب *الفتن* را نگاشته است. مرحوم مجلسی در کتاب *بحار الانوار*، چهار جلد (۲۸ تا ۳۱) را به ملاحم و فتن اختصاص داده است.

در کتاب‌های حدیثی از چهار عنوان برای آینده‌پژوهی استفاده شده است:

الف. فتن جمع فتنه به معنای آزمایش‌ها و امتحانات است.

ب. ملاحم جمع ملحمه که به معنای کشتار خونین است.

ج. علائم ظهور یعنی نشانه‌های ظهور حضرت حجت علیه السلام.

د. اشتراط الساعة اشتراط جمع شرط یعنی نشانه و ساعه به معنای قیامت است.

اشتراط الساعه یعنی نشانه‌های قیامت.

برای آینده پژوهی و شناخت آینده جوامع از احادیث اجتماعی، چهار گام اساسی لازم است:

اول: کشف و استخراج احادیث اجتماعی ناظر به آینده جوامع؛

دوم: اعتبارسنجی احادیث ناظر به آینده؛

سوم: شناخت محتوای آن احادیث و تشخیص دقیق مدلولشان نسبت به همه جوامع یا برخی جوامع و یا شناخت زمان وقوع آن حوادث (درک شرایط مکانی و زمانی)؛

چهارم: تطبیق آن احادیث اجتماعی به وقایع موجود جوامع (مصادق شناسی).

نمونه‌هایی از احادیث ناظر به آینده پژوهی:

۱. قال النبی لعلی: ان امتی ستعذر بک بعدی ویتبع ذلک برها وفاجرها. (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۵۰)

قطعاً امت من در حق تو جفا و خیانت می‌کنند و خوبان و بدان این امت از آن جفا تبعیت می‌نمایند.

۲. قال ابوسعید خدری قال رسول الله: ان اهل بیتی سلیقون بعدی من امتی قتلاً و تشریداً و ان اشد قولنا له بغضاً بنوامیه و بنوالمغیره و بنومخزوم. (سیوطی، ۱۴۱۰ق،

ج ۱۳، ص ۴۰۹)

پس از من، اهل بیت من از جانب امتم، قتل و آوارگی خواهند دید و سرسخت‌ترین دشمنان آنان بنی امیه و بنی مغیره و بنی مخزوم‌اند.

۳. قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتی یقل الرجال ویکثر النساء. (قضاعی،

۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۲؛ مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵، ص ۶۲۳)

معمولاً مباحث آینده پژوهی را می‌توان با «س» یا «سوف» در ابتدای فعل مضارع که ناظر به آینده نزدیک یا دور است، در احادیث جست‌وجو کرد و در احادیث مهدویت، از آینده جوامع بشری و وضعیت نابهنجار جوامع و حاکمیت ضدارزش‌ها و در ضعف قرار گرفتن دینداران سخن به میان آمده است و در نهایت، پیروزی غلبه دین حق بر سایر ادیان و گسترش عدالت و نابودی باطل و حاکمیت یافتن مستضعفان بر مستکبران، وعده حق داده شده است.

#### ۴.۱. ۱۰.۱. روش اندیشه‌شناسی

یکی از رویکردها و روش‌های مطالعاتی، مطالعه بر نظام اندیشه‌هاست. اندیشه‌شناسی را به دو صورت می‌توان تصویر کرد: اندیشه‌های یک متفکر درباره یک موضوع اجتماعی یا اندیشه‌های یک مکتب درخصوص یک موضوع. این کار نوعی تفسیر موضوعی است. درخصوص احادیث اجتماعی می‌توان به هر دو شیوه عمل نمود: یکی اندیشه موضوعی اجتماعی مثلاً اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، یا اندیشه اجتماعی در روابط اجتماعی مردم با یکدیگر. در این قسم، نخست مجموع روایات امر به معروف و نهی از منکر جمع‌آوری می‌شود و با عناوین جامعه‌شناسی، عنوان‌گذاری می‌گردد و سپس به صورت یک نظام منسجم، همه ابعاد آن با ادبیات جامعه‌شناسی توضیح داده می‌شود. نمونه همین کار در کتاب اندیشه‌های اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، توسط آقای غلامرضا اورعی در پژوهشگاه قرآن و حدیث به چاپ رسیده است.

دوم اندیشه‌های متفکر محور مانند اندیشه‌های اجتماعی امام علی علیه السلام و اندیشه‌های اجتماعی امام رضا علیه السلام در این قسم مجموع اندیشه‌ها و تفکراتی که یک امام معصوم درباره مباحث اجتماعی دارد، جمع‌آوری شده و به صورت نظام منسجم ارائه می‌گردد. چنین مطالعه‌ای امکان مقایسه میان تفکرات اجتماعی ائمه اطهار علیهم السلام با سایر صاحب‌نظران اجتماعی دنیای معاصر را فراهم می‌کند. روشن است که برخی از این اندیشه‌ها به صورت قضایای حقیقه عنوان شده که در همه جوامع با قطع نظر از ویژگی‌های زمانی و مکانی، قابلیت شمول و تطبیق دارد و پاره‌ای از این اندیشه‌ها به صورت قضایای خارجی و ناظر به جامعه موجود خود آن امام است و قطعاً می‌بایست به صورت دقیق، این جنبه‌های ثابت و متغیر اندیشه‌های اجتماعی ائمه اطهار علیهم السلام مورد توجه عمیق قرار گیرد.

#### نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث گذشته به دست آمد که احادیث اجتماعی ظرفیت بسیار فراوانی برای برداشت‌ها و معارف جامعه‌شناختی روشمند دارد؛ ولی برای این کار روشمند کارکرد، کشف و استخراج روش‌های نوین برای استنباط مباحث جامعه‌شناختی از احادیث

اجتماعی، مستلزم فهم درست احادیث اجتماعی و تلفیق و تطبیق روش‌های معمول و متعارف جامعه‌شناختی در احادیث اجتماعی است و با بررسی عمیقی که در مباحث قبلی انجام شد، مشخص شد حداقل می‌توان با ده روش از احادیث اجتماعی استفاده جامعه‌شناختی برد. این مقاله گام کوچکی برای گسترش روش‌شناسی احادیث اجتماعی محسوب می‌شود و امید است که با به‌کارگیری و تعمق نظری، روش‌های دیگری در این خصوص استخراج و ارائه گردد.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چ ۱، تهران: انتشارات ولی عصر علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۴. بسمل، مجید، «اعجاز عددی قرآن»، مجله رشد، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۵. بهائی، محمد بن حسین، الوجیزه فی علم الدرایة، قم: بصیرتی، ۱۳۹۰ ش.
۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶ ش.
۷. توسلی، غلام عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۷۳ ش.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، شرح جمال‌الدین خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۹. ابوالحسن تنهایی، حسین، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، چ ۲، گناباد: نشر مرنندی، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. حامد مقدم، احمد، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین، روش‌شناسی علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۴ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، فلسفه علوم انسانی، قم: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. درایتی، مصطفی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. رفیع پور، فرامرز، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲ ش.

۱۶. ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۷۵ش.
۱۷. سبحانی، جعفر، *اصول الحدیث واحکامه فی علم الدراییه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، ریاض: دار طیبه، ۱۴۲۷ق.
۱۹. \_\_\_\_\_، *جامع الصغیر*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۰. \_\_\_\_\_، *الدرر المنثور*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۱. شاله، فیلسین، *شناخت روش علوم یا فلسفه علمی*، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ش.
۲۲. صدر، محمدباقر، *اقتصادنا*، قم: المجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۴۰۸ق.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم: بی‌نا، ۱۳۸۵ش.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۲۶. قضاعی، ابوعبدالله محمد بن سلامه، *مسند الشهاب*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: ولی عصر، ۱۳۷۵ش.
۲۸. کیوی، ریمون و لوک ان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا، ۱۳۷۵ش.
۲۹. مامقانی، عبدالله، *مقیاس الهدایه فی علم الدراییه*، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۳۱. متین، منصور، *تفکر میان رشته‌ای*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مجیدی خوانساری، غلامحسین، *نهج الفصاحه*، قم: انصاریان، ۱۳۸۵ش.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*، تهران: صدرا، ۱۳۹۲ش.
۳۶. \_\_\_\_\_، *جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا، ۱۳۸۴ش.
۳۷. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.

۱۸۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۳۸. ملکی فر، عقیل و دیگران، *الغیاب آینه پژوهی*، تهران: کرانه علم، ۱۳۸۵ش.

۳۹. وثوقی، منصور، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر بهینه، ۱۳۸۶ش.

